

آینه

انتقاد

جعبه سیاه خبر

عباس عبیدی؛ ... بعدازظهر جمعه بود که آقای ربیعی زنگ زد. پس از یک احوالپرسی کوتاه گفـت: نظـر تـ چـیـه؟ چـه کار کنـم؟ گفتم: دربارـه چـی؟ گفـت: کل ماجرا دروغ است و آبروی من رفته است. جالب است که ربیعی هم در ابتدا فکر آبروی خودش بود! البته حق داشت، زیرا ساختاری که تا این حد به راحتی به خودش رجم نمی‌کند دلیلی ندارد که افراد به فکر آبروی آن باشند. توضیح داد که روحانی به او زنگ زده که بخش‌های آخر اطلاعاتیهات درست نیست. درحالی‌که او می‌گفت وزیر راه و رئیس سازمان هواپیمایی کشوری قاطعانه برخورد موشک را رد کرده بودند.... نیم ساعت بعد چند بار زنگ زدم، تلفنش پاسخ نداد، دو ساعت بعد خودش زنگ زد که به کلبی به هم ریخته است، دو تا قرص خورده که بتواند بخوابد. الان هم دارد می‌رود جلسه. دیگر چیزی به او نگفتم. فایده‌ای هم نداشت تا الان هم به توصیه من عمل نکرده است. یاد مشورتش اقدام که پرسید به من پیشنهاد سخنگویی دولت شده. پذیرم یا خیر؟ ظاهراً تنها کسی که به او گفته بود نپذیر. من بودم. نه به دلیل اینکه معتقدم نباید به دولت کمک کرد، بلکه می‌دانستم که این کار مشکلات خودش را دارد و حالا دچار آن شده است. دلم برایش سوخت. بلافاصله اقدام کردم و به همه رسانه‌هایی که می‌شناختم، پیام دادم که مبادی رواد نفی اصابت موشک کار کنید. به طور ضمنی اصل ماجرا را هم گفتم. ولی چون گفته بودند که پس از جلسه شورای امنیت بیانه خواهند داد، گفتم منظر چهره‌هایی باشید تا آنجا که می‌توانستم به همه گفتم صبر کنید. قرار است مسئولیت بپذیرند. من هر چه بیشتر تعجب می‌کردم که این چه ساختاری است که خودت‌یرین نیروهایش نیز خبر ندارند. بعد معلوم شد که مسئله فراتر از دروغگویی است. دروغی در میان نبوده، یک پنهان‌کاری ساختاری که به مراتب بدتر از دروغگویی است! و هنگامی که صبح شد، تمامی آوار آن ساختار فاجعه‌بار روی هم خراب شد و اتفاقاً روی اصولگراییان بدترین خرابی را داشت.

پس از ترور

این آتش را آبی باید

● محمود صدیقی: آنچه دیروز ایرانیان را در بهت فرو برد، تماشای ناباورانه وصلیت بی‌دبیری و بی‌صدایتی بود. وگرنه این ملت، با مرگ و شیون بیگانه نیست و ناگتوین برای پاسداری از مملکت و ارکان ملک‌داری، از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. بی‌دبیری، پیش از فروافتادن هواپیمای مسافری آغاز شد و با سقوطش شتاب گرفت و با بی‌صداقیتی در هم آمیخت و به مسابقه‌ای شگفت‌انگیز بین مسئولان برای نادرست حصر‌زدن و نادرست عمل‌کردن انجامید. این سقوط، طبیعی نبود و اگر همه آنها که باید به وظایف‌شان عمل کرده بودند، حالا خانواده‌های قربانیان سانحه و میلیون‌ها خانواده غمگسار ایرانی سوگوار نبودند و حکومت زیر چنین فشار سنگینی نبود. اگر طراحان نظامی کشور، قبل از آغاز حمله به پایگاه آمریکایی‌ها، به این نکته بدیهی اندیشیده بودند که هر روز ده‌ها هواپیمای غیرنظامی از مقابل رادارهای پدافند هوایی عبور می‌کنند و در پی آماده‌باش ضرروری پس از آن، احتمال خطای انسانی و تکنولوژیک وجود دارد. اگر مسئولان هواپیمایی که لابد هم‌زمان با مردم عادی شنیده بودند وضع پدافندی کشور فعلاً حساس‌تر از همیشه است و در برنامه پروازها تغییری می‌دادند (اگر چند ساعت تأخیر پرواز رخ می‌داد، کسی تعجب و کلاه می‌کرد؟!) امروز روز دیگری بود.

البته سلب حیات به‌مثابه یک

ادامه از صفحه ۳

یک دادرسی منصفانه می‌تواند قانونی قلمداد شود. چنان‌که کشتن دیگری در مقام دفاع مشروع نیز با حصول شرایطی جایز است. در چارچوب همین قاعده و استثنائات آن است که می‌توان هدف‌ قراردادن شهید سلیمانی را به ارزیابی نشست. اقدام دولت آمریکا در هدف‌قراردادن سردار سلیمانی یک «قتل هدفمند» بوده که بنابر اظهارات مقامات آمریکایی با طراحی قبلی انجام شده است. قتل هدفمند شیوه و راهبردی است که ایالات متحده آمریکا در- از دیدگاه خود- «جنگ علیه تروریسم» به کار می‌برد. براساس این شیوه، رژیم آمریکا به‌صورت سازمان‌یافته و بدون دستگیری و محاکمه فرد هدف‌گذاری شده، افرادی را که تروریست قلمداد کرده، حذف فیزیکی می‌کند. این اقدام به‌دلیل آنکه جایگزینی برای دستگیرکردن و محاکمه یک فرد و مراعات حق دفاع اوست، غیرقانونی بوده و مصداق کشتن و اعدام فراقتضای محسوب می‌شود که از نقض‌های فاحش حقوق بشر است. علاوه بر نقض حق حیات یک فرد، بسیاری از اصول بنیادین حقوق بشر نیز با قتل هدفمند نقض می‌شود. فرض بر برائت افراد است و ایراد هر اتهامی به ایشان به اثبات و احراز قضائی نیاز دارد. بدون محاکمه حکم‌صادرکردن و حکم بی‌محکمه و محاکمه را اجراکردن به‌مثابه هدم تمام آموزه‌ها و هنجارهای بنیادین حقوق بشر است. ایالات متحده آمریکا، شهید سلیمانی را متهم به ارتکاب اقدامات تروریستی کرده بود؛ اثبات و احراز این اتهامات نیازمند برپایی محاکمه و محکمه بوده؛ اما ایالات متحده آمریکا با هدف‌قراردادن شهید سلیمانی نه‌تنها مرتکب یک قتل فراقضائی شد، بلکه خود را از بار مسئولیت سنگین اثبات اتهامات پرمانه‌ای که به آن شهید سعید وارد کرد نیز مبرا کرد. ناروایی اقدام آمریکا تا آن حد آشکار است که به فاصله اندکی بعد از ترور شهید سلیمانی، خانم دکتر «کالامار»، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، درباره اعدام‌های فراقضائی و خودسرانه، در رشته‌توییتی حمله پیهادی آمریکا را به‌دلیل آنکه خارج از زمان مخاصمه جنگی واقع شده است، مصداق اعدام خودسرانه و قابل تحقیق رسمی دانست.

۷.دفاع‌مشروع‌نبودن اقدام آمریکا: در مقام دفاع مشروع نیز می‌توان اقدام به کشتن دیگری کرد؛ اما تحقق دفاع مشروع مشروط به تحقق شرایط پرمانه‌ای است. تناسب، ضرورت و فوریت خطر از شرایط حاکم بر اقدام‌کننده با هدف دفاع مشروع است. در حمله پیهادی انجام‌شده، فارغ از اینکه آیا اقدامات جایگزین مانند دستگیری با استمداد از دولت عراق برای اقدام ممکن بوده است یا خیر تا اقدامات شرعی صورت‌گرفته «ضروری» قلمداد شود، مهم‌ترین عاملی که فقدانش مانع از تحقق مفهوم دفاع مشروع و همچنین زائل‌شدن شرط تناسب می‌شود، وجود خطر ناشی از شهید سلیمانی بوده است. هدف از دفاع مشروع، رفع خطر موجود و حل جران حلال است. به بیان دیگر، دفاع مشروع واکتش به یک کشش آغاز شده است، اما بنا بر نظریه و ایده‌ای که از سوی بسیاری مورد اقبال و قبول واقع شده است، در برابر تهدید قریب‌الوقوع نیز می‌توان متوسل به دفاعی شد که متناسب با خطر پیش‌رو و قریب‌الوقوع باشد. درباره حمله پیهادی به شهید سلیمانی آنچه براساس مجموع ادله و شواهد موجود آشکار و مبهره است، همان‌که خطر قریب‌الوقوع به‌دلیل حضور شهید سلیمانی در عراق بوده است. ایالات متحده آمریکا در توجیه رفتار خود به‌صورت رسمی و در نامه‌نگاری و گزارش‌دهی به شورای امنیت سازمان ملل متحد متوسل به ایده «دفاع مشروع» است؛ اما از یک سو آن‌گونه که اظهارات متعدد مقامات بلندپایه آمریکا آشکار کرده است، هدف‌قراردادن شهید سلیمانی از مدت‌ها قبل از سفر او به عراق طراحی شده بود.

طراحی پیشینی حمله که حکایتگر فوریت‌نداشتن آن است، ضرورت توسل به اقدام و حمله‌کننده

سیاست

تأملات حقوقی ترور شهید سپهبد سلیمانی



علین: ر هزاره سپهبدان تلو فارس

بر اساس این اعلامیه، دولت‌ها می‌توانند از دبیرکل سازمان ملل درخواست کنند که برای کشف حقیقت در ارتباط با یک قضیه با اختلاف که تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است، هیئت حقیقت‌یاب تشکیل دهد. اکنون و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد تاکنون از محکوم‌کردن این اقدام تروریستی اجتناب ورزیده است، دیپلماسی ایران با کنشگری فعالانه می‌بایست برای شکل‌دهی محکومیت بین‌المللی این اقدام تلاش کند. در این راستا، این حمله پیهادی و در پرتو عواقب احتمالی مرتب‌ت بر آن می‌بایست به‌عنوان یک اقدام تروریستی و تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی معرفی شود تا زمینه اقدام و محکومیت بین‌المللی را فراهم آورد. لازم به ذکر است که گزارشگر ویژه سازمان ملل راجع به قتل‌های فراقضائی از دبیرکل سازمان ملل درخواست کرده است که کمیسیون تحقیقاتی مستقلی دراین‌باره تأسیس کند. در صورت شکل‌گیری «هیئت حقیقت‌یاب» و بر اساس یافته‌های آن می‌توان نسبت به تعقیب کیفری عاملان و طراحان این حادثه تروریستی نیز مطالبه کرد. این همان مسیری است که متعاقب ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر وقت لبنان، در سال ۲۰۰۵ میلادی پیموده شد. اکنون نیز می‌بایست با اثبات تروریستی‌بودن این حادثه، در جهت تعقیب عاملان گام برداشت. بعد از انجام تحقیقات لازم و آشکارشدن نقض حقوق بشر و ترور‌بودن حمله پیهادی صورت‌گرفته، دولت ایران می‌تواند خواستار برپایی یک دادگاه مختلط با مشارکت ایران، عراق و سازمان ملل برای به‌عدالت‌سپردن آمران و عاملان این جنایت شود.

۱۰. حمله مسلحانه دولت آمریکا علیه حاکمیت ایران: همان‌طور که گذشت، حمله پیهادی علیه شهید سلیمانی به دلیل موقعیت رسمی ایشان به‌عنوان یکی از مقامات بلندپایه نظامی ایران تنها اقدام علیه یک فرد نیست، بلکه حمله صورت‌گرفته حمله علیه دولت ایران نیز هست. از منظر حقوقی، اقدام واقع‌شده یک «حمله مسلحانه» در معنای مورد اشاره در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل است. بر اساس این ماده، دولت وقوع حمله مسلحانه یک دولت علیه دولت دیگر، دولت مورد حمله واقع‌شده از حق ذاتی دفاع مشروع برخوردار خواهد بود. حمله مسلحانه موردنظر در ماده ۵۱ منشور می‌بایست شدیدترین شکل از توسل به زور یک دولت علیه دولت دیگر باشد. برای احراز شدت یک حمله مسلحانه، هم معیار کمی و گسترده‌گی و قلمروی حمله مدنظر است و هم اینکه این شدت‌مندی از حیث کیفی و با درنظرگرفتن اثر ناشی از آن حمله می‌تواند احراز شود. حمله پیهادی آمریکا هرچند محدود و غیرگسترده بود، اما حمله به یکی از مقامات ارشد لشکری و نظامی کشور اقدام شدیدی محسوب می‌شود که می‌تواند آثار یک حمله به شهید سلیمانی باشد. «دیوان بین‌المللی دادگستری» در آرای خود با وضع این قاعده که حمله مسلحانه یک دولت علیه دولت دیگر باید شدیدترین شکل توسل به زور باشد، این را هم افزوده است که در شرایطی، حمله به یک کشتی به تنهایی نیز می‌تواند حمله مسلحانه منظور شده باشد. بنابر این معیار، حمله مسلحانه تنها در پرتو گسترده‌گی آن نیست که شدید محسوب می‌شود، بلکه شدت‌مندی پرتو آثار یک حمله نیز قابل احراز است. آشکار است که حمله به مقام بلندپایه نظامی یک کشور، اثری مهم‌تر از حمله به یک کشتی دارد. در احراز شدت‌مندی حمله مسلحانه می‌توان معیارهای ارزیابی شدت یک قضیه یا پرونده در «دیوان کیفری بین‌المللی» نیز استفاده کرد. در دیوان کیفری، دادستان ملزم است تنها پرونده‌ها و جرائمی را تحت تعقیب قرار دهد که شدت لازم را داشته باشند. در احراز این شدت‌مندی، علاوه بر گستره و قلمرو یک جرم و میزان خسارت‌های ناشی از آن، اثر مرتب‌تر یک رفتار غیرگسترده و میزان واکنش‌ها به آن نیز مؤثر است. همین معیار نیز در احراز شدت‌مندی حمله مسلحانه می‌تواند به کار گرفته شود. لازم به ذکر است حمله تروریستی و مسلحانه یک دولت به یک مقام رسمی و نظامی دولت دیگر و پذیرش مسئولیت آن از سوی دولت مهاجم، مسبوق به سابقه نبوده است. اکنون دیپلماسی حقوقی ایران باید با ورود به جنگ حقوقی در این ماجرا، به صورت فعالانه اقدام به ترویج تفسیر حقوقی خود کند و ترور مقام دولتی یک کشور را حمله‌ای مسلحانه موجد حق دفاع مشروع معرفی کند.

۱۱. رد ادعای تروریستی‌بودن سپاه پاسداران: تأکید بر اینکه حمله تروریستی آمریکا یک حمله مسلحانه علیه دولت و حاکمیت ایران بوده، بسپاه می‌رساند.

درحال حاضر آمریکا با حادثه واقع‌شده به‌مثابه اقدام علیه یک گروه سازمان‌یافته تروریستی به‌زعم خود، یعنی سپاه، معامله می‌کند. در واکنش به این رویکرد، دولت ایران با تأکید بر اینکه حادثه واقع‌شده حمله مسلحانه علیه دولت ایران بوده است، می‌بایست تلاش آمریکا بر تروریستی‌دانستن بخشی از نیروهای مسلح خود را خنثی کند. با تثبیت حمله مسلحانه بودن اقدام آمریکا علیه دولت ایران، از تلاش آمریکا برای فروکاستن این حمله به اقدام علیه یک گروه تروریستی و پنهان‌کردن بُعد دولتی آن زدوده می‌شود. در واقع، زمینه‌سازی حقوقی آمریکا برای ارتکاب این جنایت از زمان تروریستی قلمدادکردن سپاه آغاز شد. تأکید بر حمله علیه دولت بودن این اقدام، به معنای تأکید بر جدایی‌ناپذیربودن سپاه پاسداران از حاکمیت ایران است و خود می‌تواند نسبت به حوادث احتمالی آینده بازدارنده باشد.

۱۲. توسل به زور غیرقانونی آمریکا: حمله پیهادی آمریکا، همان‌طور که گذشت، مصداق توسل به زور و حمله مسلحانه علیه حاکمیت ایران بوده است. آمریکا مدعی شده این توسل به زور مشروع بوده است؛ چراکه در مقام دفاع مشروع انجام شده است. در نامه آمریکا به شورای امنیت نیز با استناد، به مجموعه‌ای پرانگده از اقدامات نظامی صورت‌گرفته در سال‌های اخیر و انتساب آنها به ایران، ایالات متحده با ادعای وجود حمله‌ای مسلحانه علیه خود، ترور شهید سلیمانی را دفاع مشروع در برابر آن حمله مسلحانه قلمداد کرده است؛ اما همان‌طور که گذشت، این اقدام فاقد ضرورت و تناسب بوده؛ چراکه در زمان اقدام آمریکا، حمله‌ای در جریان نبوده است که با دفاع بشوان آن حمله را متوقف کند یا خطر قریب‌الوقوعی در پیش نبوده است که اقدام نظامی، قاطع و رافع آن بشود. در انجام دفاع پیشگیرانه، اثبات وجود خطر قریب‌الوقوع بسیار کلیدی است تا در پرتو آن، ضرورت مطلق اقدام تدافعی و پیشگیرانه در نبود یک حمله مستمر و در جریان، آشکار و احراز شود. همین امر پاشنه آشیل استدلال آمریکا در توجیه جنایت خویش است. بنابراین لازم است ایران در پاسخ به ادعا و نامه آمریکا، به تفصیل ادله رد دفاع مشروع بودن این اقدام را نزد شورای امنیت سازمان ملل ثبت کند.

۱۳. تجاوز سرزمینی علیه عراق: حمله پیهادی مسلحانه آمریکا در قلمرو سرزمینی عراق اتفاق افتاده است. با توجه به اینکه ایالات متحده آمریکا در ترور سپهبد سلیمانی از نیروی نظامی خود در قلمروی سرزمینی عراق استفاده کرده که بدون موافقت پیشینی با دولت این کشور بوده است، این رفتار بر اساس بند «ای» پاراگراف دوم ماده ۸ کر «اساسنامه رم» به‌عنوان یک «فعل تجاوزگرانه» علیه دولت عراق محسوب می‌شود. ازاین‌رو، در جنگ حقوقی علیه اقدام نظامی صورت‌گرفته آمریکا، باید دولت عراق را نیز همراه کرد تا برای پیگرد حقوقی آن نیز اقدام‌کند تا احراز و اثبات شود این اقدام بدون اجازه و اطلاع قبلی دولت عراق انجام شده است. البته در صورت احراز اطلاع پیشینی، مسئله مسلحانه دولت عراق نیز در این حادثه قابل طرح و پیگرد خواهد بود.

۱۴. دفاع مشروع بودن واکنش نظامی ایران: دفاع مشروع بودن به صورت رسمی و در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل اعلام کرده، در راستای احراز حق ذاتی ایران در دفاع مشروع بوده است. آن‌گونه که گذشت، واکنش نظامی ایران متعاقب تحقق یک حمله مسلحانه علیه ایران انجام شد. بنابراین شرط وقوع حمله مسلحانه در این واکنش محقق بوده است. باین‌حال، شرایط دیگر حاکم بر تحقق وضعیت دفاع مشروع نیز می‌بایست تأیید و احراز شود. با توجه به آنکه حمله به شهید سلیمانی اقدامی نظامی بود که تداوم نیافت، ایران نیازمند است ثابت کند اقدام واکنشی‌اش برای رفع یک خطر قریب‌الوقوعی قاطع تداوم حملات مشابه در آینده نزدیک صورت گرفته است. تأکید بیانه وزارت دفاع آمریکا بر اتخاذ تمام تدابیر لازم ازجمله اقدامات قهری برای حفظ منافع آمریکا از یک سو و همچنین تروریستی‌اعلام‌شدن سپاه از سوی دیگر، خطر در معرض قتل هدفمند واقع‌شدن سایر مقامات نظامی ایران را افزایش داده است. مجموع این شرایط می‌تواند مبنایی برای دفاع مشروع بودن اقدام ایران قلمداد شود. هرچند این امر نیازمند تأمل و مذاقه معیارهای ارزیابی شدت یک قضیه یا پرونده در دفاع مشروع، حداقل این اثر را دارد که باور ایران مبنی بر آن را که حمله پیهادی صورت‌گرفته، حمله علیه دولت و حاکمیت بوده است، تقویت می‌کند.

۱۵. جرم جنگی نبودن واکنش نظامی ایران: نکته پایانی آنکه بنا بر نظریه «اولین شلیک»، با صرف انجام حمله پیهادی به شهید سلیمانی، میان ایران و آمریکا رابطه مخاصمه مسلحانه بین‌المللی برقرار شده است. تأکید ایران مبنی بر اینکه اقدام صورت‌گرفته «اقدام به جنگ» علیه ایران است، می‌تواند به این معنا باشد که رفتارهای این دو کشور نسبت به یکدیگر، مشمول مقررات حقوق بشردوستانه خواهد بود. ازاین‌رو، هدف قراردادن پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق به‌مثابه اهداف نظامی که با هدف ناتوان‌سازی خصم و دشمن انجام شده، از حیث شیوه رفتار ارتکاب‌یافته در زمان مخاصمه، اقدامی قانونی بوده است. البته میان حق بر جنگ و قاعده جنگیدن تفاوت است. قانونی‌بودن ترور توسل به زور لزوماً به معنای مشروع‌بودن ترور به آن نیست.

روزنه

رفتار سفیر انگلیس خلاف قوانین و عرف بوده‌است

● شرق: حضور سفیر انگلیس در مراسم بزرگداشت کشته‌شدگان سقوط هواپیمای اوکراینی منجر به بازداشت وی شده است. فارغ از مسئله بازداشت وی، حضور او به‌عنوان رفتاری خلاف قانون منعکس شده است که می‌تواند منجر به اخراج وی از ایران شود. این در حالی است که در حوادث ناوگاری مانند سقوط هواپیمای، تعداد بسیاری از افراد کشورهای مختلف کشته می‌شوند و در مراسم یادبود آنها، سفرای کشورهای مسافران کشته‌شده شرکت می‌کنند. اما مسئله حضور سفیر انگلیس کمی متفاوت است. او در یک مراسم رسمی شرکت نکرده است و همین امر این شبهه را ایجاد کرده که رفتار او آیا در موازین حقوق و عرف بین‌المللی مورد تأیید است یا خیر؟ دکتر نعمت احمدی، حقوق‌دان بین‌المللی، در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این پرسش که «حضور سفیر انگلیس برای یادبود کشته‌شدگان پرواز اوکرانین طبق قوانین و عرف دیپلماتیک پذیرفتنی است یا خیر؟» توضیح داد: حضور سفیر انگلیس، هم برخلاف قوانین و هم برخلاف عرف بوده است. سفیر نمی‌تواند به مراسمی غیررسمی، حتی برای ادای احترام برود. وی ادامه داد: قوانین در این رابطه واضح هستند و یک سفیر باید طبق وظایف و اختیارات دیپلماتیک رفتار کند و نمی‌تواند به تجمعات اعتراضی یا حتی ادای احترامی بدون مجوز دولتی برود. احمدی تأکید کرد: رفتار رخ‌داده کاملاً تخلف است. حسین ناواده‌تویچی، استاد حقوق بین‌الملل نیز در این‌باره گفته است: حضور سفیر انگلیس در تجمعات ساختارشکنانه روز گذشته، خلاف وظایف دیپلماتیک وی بوده و دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند سفیر انگلیس را از کشور اخراج کند. وی در پاسخ به سؤالی درباره حضور سفیر انگلیس در تجمعات مقابل دانشگاه آمریکایی اظهار کرد: «سفر» مصونیت دیپلماتیک دارند و در مواردی که احساس می‌شود این افراد در مکان‌هایی هستند که مطلوب نیست، باید دلالت و راهنمایی شود تا از آن مکان‌ها خارج شوند. این مدرس حقوق بین‌الملل اضافه کرد: دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کشور انگلستان اعتراض کند که رفتار آنها در شلوغی‌ها و تظاهرات علیه امنیت ملی کشور شرکت داشته و یا‌اسا افرادی را نیز راهنمایی کرده است؛ این مسئله جزء الزامات بین‌المللی، از جمله کنوانسیون وین در حقوق دیپلماتیک است.

انتقاد طلایی از اصولگرایان

شورای ائتلاف کامل و جامع نیست

● شرق: مرتضی طلایی عضو پیشین شورای شهر و چهره نزدیک به باقر قالیباف درباره حضور جامعه روحانیت مبارز در شورایی انقلاب گفت: ایده رهبری جامعه روحانیت در شورایی ائتلاف به سرانجام نرسید و در نهایت جامعه روحانیت مبارز هم به عنوان یکی از تشکیلات مرتبط با گفتمان اصولگرایی به جمع اضافه شد و در نتیجه جایگاهش به سطح داوری تقلیل یافت، او افزود: من چندین‌بار جامعه روحانیت مبارز حرفی را بیان کرد به این‌معنا که اجازه دهید جامعه روحانیت مبارز که در انتخابات ذی‌نفع نیست، نقش رهبری جریان‌های انقلابی را برعهده بگیرد. این نگاه من این ایده کار خوبی است. اینکه جامعه روحانیت مبارز سهم و نقشی در انتخابات نداشته باشد، اما در جایگاه رهبری گفتمان انقلابی قرار بگیرد، طلایی درباره اینکه چرا جایگاه جامعه روحانیت باید به سطح داوری تقلیل پیدا کند، گفته است: من که در ائتلاف نیستم و نمی‌دانم چرا پذیرفته نشد. من به واسطه ارتباطاتم و انگیزه‌ای که دارم، این نکتا را عرض می‌کنم و می‌خواهم بگویم این ایده، به سرانجام نرسید و در نتیجه جامعه روحانیت مبارز هم به عنوان یکی از تشکیلات مرتبط با گفتمان اصولگرایی به جمع اضافه شد و در نتیجه جایگاهش به سطح رسیدن در حد داوری تقلیل یافت. او گفته است: این یک اشکال اساسی است که جریان‌های انقلابی اصولگراها برای این موضوع سازوکاری پیدا نمی‌کنند تا برای همیشه این موضوع را حل کنند. ما می‌بینیم که آن طرف (اصلاح‌طلبان) یک لیدر و رهبری دارند و سرانجام هم آن رهبر حرف نهایی را می‌زند و همه چشم می‌گویند، اما متأسفانه ما نگران این هستیم و اتفاقاً شواهد و قرآنی هم وجود دارد که جبهه‌های مدعی اصولگرایی است را حمله جبهه پایداری ساز همراه‌نبودن را می‌زنند و خواهان جدایی می‌شوند. او اضافه کرده است: با بعضی از دوستان صحبت کردیم، اما در نهایت فایده‌ای نداشت و در حدی که تکلیف داشته باشیم کار انجام دادیم. دوستان ما دنبال خدمت هستند و دنبال قدرت که نیستند. اشکالی که عموماً به شکل‌گیری این مجموعه برای مدیریت انتخابات بود، این است که این افراد خودشان ذی‌نفع هستند و این موجب آسیب‌پذیری و فروپاشی مجموعه می‌شود. طلایی در نهایت با اشاره به اینکه شورای ائتلاف خوب است اما جامع و کامل نیست، گفته است: ما معتقدیم که شورای ائتلاف باید سازوکاری پیدا کند تا رهبری نیروهای انقلابی اصولگرا ممکن شود. اگر ما چرایی فروپاشی جمن را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم اشکالاتی در کار است که جمن فرو می‌ریزد. باید مواظب باشیم که این‌گونه نشود و خوب نیست که جبهه انقلاب در هر مقطعی تشکیلاتی را راه‌اندازی کند و بعد از مدتی این تشکیلات از بین برود.